

نوا

تور کنسرت های «شهر خاموش» کیهان کلهر و کوارتت مینیا تور در راه شهرهای ایران شیرازی ها «شهر خاموش» را تمدید کردند



با سه شب اجرای کنسرت «شهر خاموش» در شهر شیراز، تور کنسرت های کیهان کلهر و کوارتت «مینیا تور» به دیگر شهرهای ایران رسید. کنسرت «شهر خاموش» که در فروردین ماه امسال یاده شب اجرا در تالار وحدت آغاز شده است، پس از ۴ شب اجرای مجدد در تهران در آخرین روزهای خردادماه عازم شیراز شد تا در اولین گام «شهر خاموش» را به شهر شاعران بلند آوازه ایران، شیراز، برسد.

شیرازی ها در روزهای پایانی خردادماه سه شب میزبان تور کنسرت های «شهر خاموش» شدند. ابتدا قرار بود مردم هنر دوست شیراز تنها دو شب اجرا در تاریخ های ۲۹ و ۳۰ خرداد را به تماشا بنشینند اما استقبال از کنسرت آنچنان بود که شهر خاموش کیهان کلهر و کوارتت مینیا تور را برای ۳۱ خرداد در شهر شیراز به تمدید کشاند.

کوارتت «مینیا تور» متشکل از پدram فریوسفی نوازنده ویولن، میثم مروستی نوازنده ویولا، آتنا اشتیاقی نوازنده ویولنسل و نیلوفر محبی نوازنده ویولن است که به همراه بهنام ابوالقاسم نوازنده سازهای کوبه ای و فرشید پاتینیان نوازنده کنترباس و کیهان کلهر نوازنده کمانچه و آهنگساز، اعضای گروه کنسرت «شهر خاموش» را تشکیل می دهند. لازم به توضیح است که در کنسرت های فروردین ماه تونی اورواتر، نوازنده هلندی کنترباس، تیم کلهر را در کنسرت «شهر خاموش» تالار وحدت تهران همراهی می کرد که اکنون در دور جدید کنسرت های تور شهرستان ها فرشید پاتینیان جایگزین تونی اورواتر هلندی شده است.

کلهر به همراه کوارتت زهی «مینیا تور» پس از بازگشت از شهر شیراز، دوباره پنج شب از دوم تا ششم تیرماه در تالار وحدت تهران به روی صحنه خواهند رفت و پس از آن به کرمانشاه رفته و میهمان کردهای باختر نشین ایران خواهند شد.

قرار است در ادامه تور کنسرت های «شهر خاموش» کیهان کلهر و کوارتت مینیا تور به دیگر شهرهای ایران چون همدان، سنندج، ساری و... بروند. تاریخ دقیق برگزاری کنسرت ها و بلیت فروشی های هر شهر متعاقباً اعلام خواهد شد.

تمدید مهلت شرکت در جشنواره موسیقی جوان

آخرین مهلت ارسال آثار به دبیرخانه سیزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۴ تیرماه تمدید شد و این مهلت مجدداً تمدید نخواهد شد.

مهلت ارسال آثار جهت شرکت در این جشنواره که در فراخوان ۳۱ خرداد ذکر شده بود، به دلیل استقبال و تقاضای مکرر متقاضیان تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۴ تیرماه تمدید شد. بر اساس اعلام دبیرخانه جشنواره، مهلت ارسال آثار پس از تاریخ ذکر شده مجدداً تمدید نخواهد شد.

فراخوان و اطلاعات تکمیلی در پایگاه های اطلاع رسانی انجمن موسیقی ایران به نشانی www.nay.ir و جشنواره ملی موسیقی جوان به نشانی javanmusicfestival.com قابل دسترسی است.

همچنین براساس اعلام دبیرخانه سیزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان، پس از دریافت و طبقه بندی آثار، بلافاصله کمیته های تخصصی به بررسی و ارزیابی آثار خواهند پرداخت و اسامی منتخبان برای حضور در مرحله نهایی و اجرای صحنه ای متعاقباً اعلام می شود.

سیزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان با دبیری هومان اسعدی و مشارکت استادان موسیقی کشور توسط انجمن موسیقی ایران با همکاری بنیاد رودکی و حمایت دفتر موسیقی و معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۵ مرداد تا ۵ شهریور سال جاری در تالار رودکی برگزار می شود.

حکایت این روزهای جامعه فعالان صنفی موسیقی و مقررات وضع شده و رویدادهای حوزه موسیقی، کم شباهت به افسانه سیزیف نیست که تخته سنگی را تا نزدیکی قله می برد، اما یکباره سنگ به پایین می غلتد و سیزیف مجبور است دوباره سنگ را از پایین به بالا ببرد تا کار را انجام دهد

موسیقی بحثی دارای پیچیدگی های بسیار است و همین که می باید گروه ها از منظر ژانر کاری ارزیابی شوند و یا ژانر کاری خود را برای مستثنا شدن از پرداخت ۱۰ درصد اثبات شده اعلام نمایند یعنی که می توان متصور شد دوباره شوراهایی در ارشاد برای ارزیابی ژانر کاری تشکیل شود و عده ای که دلشان برای شورا داری تنگ شده بود دوباره در این فضای مستعد فساد نفس بکشند. ارزیابی در شورایی که خود می تواند عامل جدل و فساد باشد همان تخته سنگ رهائده است که باید فعالان صنفی موسیقی آن را به دوش بکشند.

تبصره ای به قانون اخذ ۱۰ درصد از درآمد بلیت فروشی کنسرت ها اضافه شود که کنسرت های کلاسیک، دستگاهی و نواحی از این قانون استثنا شوند و قانون مشمول سایر ژانر های موسیقی از جمله پاپ گردد. و این همان افتادن تخته سنگ سیزیف به پایین و دوباره کشیدن مرارت هاست در تفهیم خسارتی که این تبصره علاوه بر قانون سراسر مضر اخذ ده درصد می تواند داشته باشد. اولین بحث که امیدوارم فراموش نشود این است که موزیسین ها به گواه نامه ۲۰۰۰ امضایی خواستار لغو قانون اخذ ده درصد و عذر خواهی وزیر فرهنگ و ارشاد هستند. و ضمناً انتظار می رود وزیر ارشاد و دولتمردان دولت تدبیر و امید که با هم جایگاهیان پیشین خویش فاصله بسیاری ابراز می دارند نامه سرگشاده ۲۰۰۰ موزیسین را ورق پاره و بی اعتبار و اثر نخوانند هر چه سریع تر به حکم ادب و به استناد اصل حقوق شهروندی درصدد پاسخگویی برآیند تا دست کم از این منظر با کسانی که مردم را خاش و خاشاک خوانند در یک زمره ننگنند. دومین منظر ایراداتی است که به بحث دست بندی و ارزیابی ژانر کاری هنرمندان در تبصره یاد شده بر می گردد. چرا که بحث ژانر و گونه



قانون روشن شده است. که به مثل گل بود به سبزه نیز آراسته شد می ماند. و دوباره سنگ به پایین افتاده و می بایست بار این تبصره که چون صخره ای بزرگ باری مضاعف بر دوش آن ها نهاده است را از پایین به بالا بکشند. بر اساس آنچه مدیر جدید دفتر موسیقی اعلام داشته قرار است

ارشاد و دولت بر سر قانون ۱۰ درصد که همانند تخته سنگی آوار روزگار فعالیت هنرمندان شده است در حال دست و پنجه نرم کردن برای حذف آن قانون مضر بودند که حالا بعد از نامه دو هزار امضایی جامعه موسیقی که البته وزیر فرهنگ آن را بی پاسخ گذاشته، چشمشان به تبصره همان

تخته سنگی را می باید بر دوش گرفته به بلندای قله کوهی برساند اما در نزدیکی قله و رسیدن به انتهای کار سنگ به پایین می غلتد و سیزیف مجبور است دوباره سنگ را از پایین به بالا ببرد تا کار را انجام دهد. فعالان صنفی حوزه موسیقی نیز در این چند ماه گذشته با وزارت



بینا یاری

حکایت این روزهای جامعه فعالان صنفی موسیقی و مقررات وضع شده و رویدادهای حوزه موسیقی کم شباهت به افسانه سیزیف نیست که

خبر

در صورت ایجاد آرشو مستندات قطعات موسیقی

لطفاً چاره ای بیندیشید!

امیر بکان، آهنگساز و مدرس دانشگاه

مدتی بود که برای تحقیقی به دنبال آثار آهنگسازان ایرانی و به ویژه متقدمین آهنگسازی کلاسیک بودم که به نکته جالبی برخورددم. در این جستجو متوجه شدم که بسیاری از این آثار اصلاً به مرگ اجرا نرسیده است. حتی پس از گذشت شاید شصت سال و بعضاً بیشتر از آن! اینکه بخواهیم به دلایل بی توجهی به این آثار بپردازیم که مثنوی هفتاد من کاغذ می شود ولی به هر حال باید به این موضوع پرداخته شود و چه بسا که به مذاق عده ای خوش نیاید!

البته در این راه زحمات اشخاصی معدود با هر نیتی که از جامعه نخبه موسیقی کشور نیز هستند جای خرسندی و تحسین دارد، در انتشار و اجرای تعدادی از این آثار، افرادی همانند مایسترو و علی رهبری، منوچهر صهبایی، جناب موسوی مدیر محترم نشر ماهور که نقشی به سزا در زنده کردن بخش اعظمی از آثار موسیقی ایرانی داشته همه قابل تقدیر و تحسین است. ولی آیا این کشور نباید یک متولی برای انجام این گونه امور داشته باشد؟ یا اصلاً متولیان اصلی و مسئولین موسیقی که اکثر آغیر موسیقیدان نیز هستند دغدغه های در این باره دارند و یا مشاوران این افراد که اتفاقاً موسیقیدان هستند اصولاً در پی این موضوع و جمع آوری رپورتاژ آهنگسازان هستند یا نه؟ یا شاید عمدی در این ماجرا دست دارد!

مدت ها قبل سفری به تاجیکستان داشتم و دوست میزبان، مراد عوت کرده به سالن اپرا شهر دوشنبه برای دیدن یک اپرا و روز پس از اجرا هماهنگ کرد که با هم از کتابخانه ملی موسیقی خانه اپرا دوشنبه دیدن کنیم، کتابخانه ای با فراوانی پارتی تور آثار از دوره رنسانس تا معاصر و حتی بر اساس دست بندی آثار سلو، آنسامبل، ارکستر مجلسی و ارکستر سمفونیک و اپرا و جالب تر بخشی که متعلق به آثار آهنگسازان کلاسیک تاجیکی که بر اساس نوع سبک دسته بندی شده بود از سال ۱۹۱۰ تا دوره کنونی و البته که حجم این تعداد آثار هم قابل توجه می نمود! حال مقایسه کنیم با کتابخانه های موسیقی کشورمان! کلاً فقط تعدادی از آثار متقدمین موجود است و فقط آن تعداد از آثاری که طی ۵۰ سال پیش در تالار اجرا شده که از تعداد انگشتان دودست هم تجاوز نمی کند! و آن هم با این شرایط نگهداری که بسیاری از کاغذ های پارتی تور ها به محض دست زدن به پودر



علمی در رسانه ملی و طرح موضوعات اصلی مبتلا به جامعه موسیقی ام: از اقتصاد موسیقی و گسترش هنرستان ها برای آموزش صحیح موسیقی و اجراهای با کیفیت و گسترده موسیقی مطلوب و حمایت از جامعه موسیقی مورد تعافلی عالمانه قرار می گیرد؟ این غفلت تا کجا می خواهد ادامه پیدا کند؟ بالاخره باید از یکجا شروع کرد، آثار متقدمین باید جمع آوری شود و نگهداری گردد در یک آرشیو ملی از هر نسخه پایان نامه آهنگسازی آهنگسازان جوان و متأخر با هماهنگی دانشگاه های رسمی موسیقی کشور یک نسخه باید از آن تحویل این آرشیو شود، باید هنرستان های موسیقی در شهرستان ها و مراکز استان ها راه اندازی شود و این خیل فارغ التحصیل ها برای تدریس در این هنرستان ها دعوت شود که هم ایجاد اشتغال است برای این عزیزان و هم شأن والای آنان حفظ خواهد شد، برای آموزش موسیقی علمی در مدارس آموزش و پرورش باید فکر اساسی کرد، همچنین برای مهد های کودک و کلاس های پیش دبستانی می شود با همراهی و همکاری اساتید برجسته دانشگاه، برنامه ریزی آموزشی کرد تا از کودکی بحث تربیت شنوایی تقویت شود این کار پایهای کمک می کند به تشخیص موسیقی مطلوب از نامطلوب، اگر به موسیقی توجه دغدغه مدارانه شود خود موسیقی اقتصاد پیدا آوردنگان و اجرا کنندگان خود را تأمین خواهد کرد و البته باید سالن های اختصاصی اجرای موسیقی در سرتاسر کشور ساخته شود و این توجه، موسیقی نواحی و سنتی و کلاسیک و حتی پاپ در جایگاه خود قرار خواهند گرفت و صد البته اختصاص مارکت به همه گونه های موسیقی و نه ایجاد باند و مافیای در حوزه تولید و پخش و اجرا که راهی است به سوی بیراهه که بالاخره آیندگان قضاوت خواهند کرد!

اساتید معزز، مسئولین محترم موسیقی، مشاوران موسیقیدان مسئولین محترم! لطفاً چاره ای بیندیشید!

فارغ التحصیل های رشته موسیقی هنوز کار مشخصی ندارند و اکثر آدر موسسه ها و آموزشگاه ها مشغول تدریس هستند و به سختی امورات خود را می گذرانند و این اواخر اداره مالیات معظم کشور هم با همکاری و وزارت معظم ارشاد با این بخشنامه جدید تیری خلاص بر پیکر تحریف موسیقی زدند و اصلاً هم حاضر به تجدیدنظر نیستند و مرغ همان یک پای تاریخی را دادند!

تا این حد بی توجهی و به رسمیت نشناختن هنرمندان موسیقی تا کی! این همه بی توجهی به وضع موسیقی تا کجا می خواهد ادامه پیدا کند؟ ظاهر آمتولی موسیقی زیاد داریم ولی خود موسیقی و مسائل روزمره آن مورد غفلت آگاهانه و عمدی قرار می گیرد و حتی برای رسیدن به این هدف برنامه ریزی هم می کنند! موسیقیدانان را در ورطه های هم قرار می دهند که این پسندیده نیست!

همه ژانرها و سبک های موسیقی محترم هستند و باید از حمایت برخوردار باشند ولی می بینیم که این گونه نیست! به همین دلیل است که اکثر موسیقیدانان تحصیل کرده اقدام به خروج از کشور می کنند و این آیفار مغزها محسوب نمی شود! اصل برای متولیان موسیقی کشور مهم نیست که سالانه چه تعداد موسیقیدان از ایران مهاجرت می کنند و بالطبع جای آنان را نمی شود با آماتورها پر کرد و آینده ای برای رشد و شکوفایی موسیقی متصور نخواهد بود! پرداختن به یک نوع موسیقی که هیچ هویت و اعتباری ندارد و برجسته کردن آماتورها چه دستاوردی برای حفظ میراث شنیداری دارد؟! کار به جایی رسیده که اکثر چیه های تحصیل کرده باید پشت سر همین آماتورها ساز بزند تا اموراتشان بگذرد و این جای تأسف دارد! در دو سخن در این موارد بسیار است و هنوز بدنه و مشی حاکمیت تکلیفش با این پدیده مشخص نیست و بیشتر به ظاهر سازی و نمایش می پردازد! والا چرا تکلیف موسیقی و صدای بانوان، نمایش ساز و آموزش موسیقی

تبدیل خواهد شد و یا به هم چسبیده شده که جدا کردن آن باعث مخدوش شدن نت های می شود! و آیا اسفبار تر از این هم می شود مگر؟ یعنی ما از کشور تاجیکستان که قبل ها بخشی از همین سرزمین بوده هم کمتریم!

البته که نگارنده به دفعات در دیدار با مسئولین موسیقی کشور این مهم را یاد آور شده و همگی نیز تأیید نموده اند ولی دروغ از توجه به این معضل! این کار احتیاج به متولی تخصصی خود دارد و نیاز به ردیف بودجه مشخص و تعدادی عاشق و علاقه مند به جمع آوری این آثار و تبدیل آن ها به فایل ها و فرمت های جدید دیجیتال که قابل دریافت نیز باشد، و این میراث شنیداری که جزو فرهنگ موسیقی این سرزمین محسوب می شود را باید چون جان حفظ نمود و به آیندگان منتقل کرد.

دفتر موسیقی وزارت ارشاد، دفتر موسیقی تلویزیون، بنیاد رودکی، انجمن موسیقی ایران، دانشگاه تهران، دانشگاه هنر، دانشگاه آزاد، خانه موسیقی، موزه موسیقی، دفتر موسیقی حوزه هنری، فرهنگستان هنر، کتابخانه ملی ایران، که همگی ردیف بودجه مشخص دارند و هزینه هایی بعضاً در دست و در خیلی از موارد نادرست برای موسیقی می کنند که به هیچ دردی هم نخواهد خورد! واقعاً چه نهادی از این مجموعه ها وظیفه جمع آوری و حفظ میراث شنیداری کشور را دارد؟ اصولاً طی چند سال اخیر که توجه همه این مراکز جلب شده به نوعی موسیقی عامه پسند و پاپ که این موضوع تعافلی به موسیقی کلاسیک و موسیقی ایرانی را در برداشته است! به عنوان یک موسیقیدان و مدرس موسیقی در دانشگاه تا الان متوجه نشدم که موسیقی در تصمیم سازی های دولتی آیا مقبول است یا مردود! حرام است یا حلال!، حرمت دارد یا حلیت! غناست یا غیر غنا! این ها موضوعات متداول و نخبه های حوزه دولتی و حکومتی است که موسیقیدان ها را در گیر دور باطل خویش کرده و هنوز هم پس از گذشت چهل سال این دور باطل همچنان ادامه دارد! این واقعاً یک درد برای جامعه موسیقی است که هنوز برای موسیقی بانوان، موسیقی صحنه، نشر موسیقی، سفارش موسیقی، تولید موسیقی، دچار سردرگمی هستیم و البته در این حوالی افرادی از دسته خودی ها، با امکانات دولتی و پنهان از نظر ها چرخ مرضی را علم کرده اند و با تولید و اجرای موسیقی آماتوری و خالی از ساختار و محتوا، گوش های مردم را منحرف و خراب کرده و جای برگشتی هم نیست! او صد البته در آمدزایی خود ایشان!